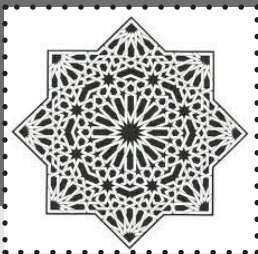


آشنایی با پیشگامان بیداری اسلامی (۴) علامه محمد حسین کاشف الغطاء



به اهتمام: حامد رستمی نجف آبادی^۱

اشاره

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء عالمی بزرگ، مرجعی سترگ، از استوانه های علم و تقوا و از پیشگامان نهضت جهانی اسلام و ستیزگری بی امان با کفر و امپریالیسم و افشاگری بی باک دسیسه های استعماری در قرن اخیر بوده اند. ایشان یکی دیگر از منادیان وحدت و



۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

تقریب میان مسلمین است که در این باره کتابهایی چون الدین و الاسلام والمراجعات را نوشته اند. مرحوم کاشف الغطاء از مشاهیر شاگردان آخوند خراسانی صاحب کفایة الاصول و از سیاسی ترین آنهاست. زندگانی ایشان مملو از حوادث سیاسی است و او را به حق باید از مفاخر و از منادیان وحدت در جهان اسلام دانست.

● تولد

شیخ محمد حسین کاشف الغطاء از مراجع و علمای متفکر و مجاهد استعمارستیز و ضد صیہونیسیم عراق، در ۱۲۹۴ق. در نجف اشرف و در خاندان علم و دانش به دنیا آمد. جد او آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۸ق.) سرشناس ترین و پرآوازه ترین فرد این خاندان است و فرزندان و نوادگان وی از دانشمندان و مجتهدان بزرگ عراق بودند (آواییاری، ۱۳۷۲ش، ص ۱۲).

● تحصیل

ایشان در ده سالگی وارد حوزه علمیه نجف شد. ادبیات عرب، حساب، نجوم، فقه و اصول را با پشتکار و شوق فراوان فراگرفت. ایشان در کنار تحصیل علوم حوزوی به مطالعه عمیق در ادبیات عرب پرداخت. ذوق ادبی خوبی داشت. نثر و نظم زیبایی نوشته ها و سروده های او از ابتدای نوجوانی، هویدای روح لطیف و مهربانش بود. محمد حسین از ابتدای نوجوانی به سرودن شعر و نویسندگی پرداخت. پانزده ساله بود که کتاب «العبقات العنبریه» را درباره خاندان خود نوشت. هنوز ۱۸ بهار بیش ندیده بود که دروس سطح حوزه را به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله آخوند خراسانی راه یافت. ایشان پس از ادبیات عرب، به سراغ حکمت و فلسفه رفت تا روح تشنه اش را سیراب نماید. وی در این باره می گوید: «تمام کتابهای صدر المتألهین - ملاصدرا شیرازی - از مشاعر، عرشیه و شرح هدایه گرفته تا اسفار و شرح اصول کافی - را نزد استادان برجسته آموختم». زمانی نیز به یادگیری علم حدیث، تفسیر و عرفان پرداخت تا بتواند اندکی از عطش خود بکاهد. به کتابهای فصوص، نصوص، فکوک و دیوان اشعار مولوی، جامی و... پناه برد. سالها نزد استادان برجسته حوزه علمیه نجف مانند آیات عظام مصطفی تبریزی، میرزا محمد باقر اصطهباناتی، احمد شیرازی، علی محمد نجف آبادی، ملاعلی اصغر مازندرانی، حاج آقارضا همدانی،

محمد تقی شیرازی و علامه حسین نوری (محدث نوری) به شاگردی پرداخت (همان، ص ۱۹). در این میان، کاشف الغطاء علاقه وافری به محدث نوری داشت. محدث نوری از کارشناسان سرشناس علم حدیث بود. کاشف الغطاء همواره با استاد در ارتباط بود. از پندهای استاد برای سیر و سلوک و پیمودن راههای سعادت بهره می جست (همان، ص ۱۱۸). کاشف الغطاء چند دوره در درس خارج فقه و اصول آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله آخوند خراسانی شرکت کرد تا توانست قله اجتهاد را فتح نماید. وی شرحی بر کتاب «العروة الوثقی» نوشته آیت الله سید محمد کاظم یزدی نگاشت که احتمالاً نخستین شرحی است که بر این کتاب نوشته شده باشد، این شرح چهار جلد است (همان، ص ۳۱).

آیت الله کاشف الغطاء پس از سالها تحصیل و رسیدن به مقام اجتهاد، به تدریس آموخته هایش برای طلاب جوان پرداخت. دهها طلبه در مسجد هندی و مقبره میرزای شیرازی در صحن حرم حضرت علی (ع) گرد می آمدند و در درس او شرکت می جستند.

سفرهای وحدت آفرین کاشف الغطاء در سفر حج با دانشمندان اهل سنت حجاز به گفتگو نشست و آنها را به وحدت فرا خواند. «نزهة السمر و نهضة السفر» سفرنامه حج اوست. سپس به سوریه و لبنان رفت و مسلمانان را با ترفندهای استعمارگران و راههای مبارزه با آنها آشنا کرد. با علمای شیعه و سنی سخن گفت.

پرهیز از اختلاف و همکاری دانشمندان شیعه و سنی از سخنان اوست که با اندیشمندان در میان می گذاشت. کاشف الغطاء در لبنان ازدواج کرد. پس از ماهها اقامت در لبنان که به گفتگو با دانشمندان بر جسته شیعه، سنی و مسیحی، نقد مقاله ها و فعالیت های تبلیغی و علمی گذشت، سپس به مصر رفت و به تدریس در «الأزهر»، بزرگترین مرکز علمی اهل سنت پرداخت، او که نفوذ مسیحیت در مصر را احساس می کرد. با کشیشان درباره انجیل و حضرت مسیح (ع) سخن گفت و اسلام را به آنها معرفی کرد. «التوضیح فی بیان ما هو الانجیل و من هو المسیح» نوشته اوست که جلد اول آن در سال ۱۳۳۱ق. در «صیدا» چاپ شد.

مجتهد جوان با شور و شغف وصف ناپذیری به تبلیغ فرهنگ ناب محمدی و دعوت تمام مسلمانان به وحدت در راه مبارزه با استعمار پرداخت. هنوز به چهل سالگی نرسیده بود ولی اندیشه پر بار و سخنان جذابش همه را شیفته ساخته بود. او فرصتها را از دست نمی داد. سه سال

در مصر و لبنان اقامت کرد و به ارشاد مردم پرداخت. شروع جنگ جهانی اول و اشغال عراق به دست انگلیس او را برای دفاع از وطن، به بازگشت به میهن فرا خواند.

● دفاع از وطن

جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ق. آغاز شد، انگلستان بسیاری از شهرهای عراق را تصرف کرد. کاشف الغطاء خود را به «کوت» که خط مقدم نبرد با انگلیسیها بود، رساند و اسلحه به دست گرفت و از میهنش دفاع کرد. مراجع تقلید شیعه فتوای جهاد داده بودند و بسیاری از مجتهدان، استادان و طلبه های حوزه های علمیه در خط مقدم جبهه با متجاوزان می جنگیدند، کاشف الغطاء بارها به جبهه رفت و در کنار رزمندگان سلحشور به دفاع از وطن پرداخت.

● مکتب کاشف الغطاء

برخی از مقلدان آیت الله سید محمد کاظم یزدی که پس از فوت او، از کاشف الغطاء تقلید می کردند. نزدش آمدند و با اصرار از او خواستند که رساله عملیه خود را چاپ کند. «شرح تبصرة المتعلمین» و «وجیزه الاحکام» نوشته اوست که در پی اصرار مقلدانش نوشته شده است. حاشیه بر «سفینه النجاء» نوشته برادرش، حاشیه بر «مجمع الرسائل» که حاوی فتوای مراجع تقلید مشهور است، «مناسک حج» و... از کتب فقهی وی و «سؤال و جواب» و «زاد المقلدین» پاسخ استفتائات مقلدان اوست. کاشف الغطاء در طول سالیان دراز تدریس شاگردان بسیاری تربیت نمود. آیت الله العظمی سید محسن حکیم، آیت الله محمد جواد مغنیه (نویسنده و فقیه معروف لبنانی) و شهید آیت الله قاضی طباطبایی (امام جمعه تبریز) از شاگردان ایشان هستند. تولیت مدرسه علمیه «معتمد» با پیشینه یک قرن بر عهده خاندان کاشف الغطاء بود. این مکان که زمانی رونقی چشمگیر داشت به مرور زمان رو به خرابی نهاد اما ایشان آن را باز سازی کرد و رونقی تازه بخشید (موسوعه العتبات المقدسه، ج ۶، ص ۱۸۲). کتابخانه مدرسه کاشف الغطاء از کتابخانه های بزرگ نجف بود که کتابهای خطی کمیابی در آن وجود داشت. کاشف الغطاء هر روز به مدرسه می آمد و بیشتر دیدارهای سیاسی او و گفتگوهای علمی اش با نویسندگان و دانشمندان عراق در مدرسه صورت می گرفت. ایشان همواره در اندیشه حل مشکلات طلاب بود و با زحمات فراوان توانست برای طلاب مدرسه، معافیت تحصیلی بگیرد (شخصیت و اندیشه های کاشف الغطاء، ص ۸).

● کنگره جهانی اسلام

در سال ۱۳۵۰ق. یک صد و پنجاه نفر از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی کشورهای مسلمان از سراسر دنیا، در کنگره جهانی اسلام، گرد آمدند. مفتی بیت المقدس از سوی مجلس اعلای فلسطین، کاشف الغطاء را به شرکت به این گردهمایی فراخواند. این در حالی بود که فلسطین هنوز اشغال نشده بود و بیش از هفتاد هزار نفر از مردم فلسطین به بیت المقدس آمده بودند تا از سخنان رهبران فرقه‌های اسلامی و شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی کشورهای مسلمان بهره جویند. رشید رضا (نویسنده تفسیر المنار) و علامه اقبال لاهوری نیز در این همایش بزرگ حضور داشتند. هر شب چند نفر از دانشمندان سخنرانی می کردند تا اینکه نوبت به جناب کاشف الغطاء رسید. اینک چکیده‌ای از سخنان وی را در اینجا می آوریم:

«... از نخستین شبی که با این اجتماع بزرگ روبرو شدم پیوسته خود را در میان ترس و امید می بینم. گاه نسبت به این کنگره خوش بین هستم و گاه دلم شور می زند... ترس من به چند دلیل است:

۱- شرقیها، به ویژه مسلمانان - مراد من برادران حاضر در این کنگره نیستند- از پایداری در هدف برخوردار نیستند. چه بسا مسلمانانی که حرکتی آتشین آغاز کردند ولی پس از مدتی حرکتشان به خاموشی گرایید.

۲- اختلاف و جدایی از خصلت‌هایی است که در درون ما ریشه دوانیده و ما را بیچاره ساخته است. اختلاف اندیشه و آزادی فکر از ویژگی‌های انسان است ... اما مصیبت این است که اختلاف نظر به دشمنی بگراید... مسلمانان برادران یکدیگرند. آیا برادر با برادر دشمنی می ورزد؟ ای یکتا پرستان! یکی شوید. من پیش از این، دو کلمه گفتم که امیدوارم از سخنان ماندنی باشد. گفتم:

گنبد اسلام بر دو پایه استوار است:

کلمه توحید و توحید کلمه. ای مسلمانان! اگر سخن ما یکی نشود، باید با اسلام وداع کنیم ...

۳- سومین بیماری ما این است که شرقیها عادت داریم به جای عمل، حرف بزیم و در جایی که باید اندیشه خود را به کار بندیم، کارها را بدون فکر انجام می دهیم.

هر ملتی با سه چیز می تواند قیام کند: مردم توانا، اندیشه درست و کوشش دائم».

سخنان کاشف الغطاء غوغایی بپا کرد. در آن شب با اصرار از کاشف الغطاء خواستند که امام جماعت نماز عشاء باشد، او نیز پذیرفت. تمامی علمای اهل سنت به او اقتدا کردند. از آن روز به بعد، کاشف الغطاء امام جماعت کنگره شد. نماز جمعه هم به امامت او برگزار شد. روزنامه‌ها و مجله‌های کشورهای اسلامی سخنان کاشف الغطاء را چاپ کردند. بسیاری از نویسندگان و دانشمندان اهل سنت از آن به بعد، نسبت به شیعه روش ملایم‌تری برگزیدند. کاشف الغطاء پانزده روز در فلسطین ماند. به شهرها و روستاهای فلسطین رفت و با علما و مردم صحبت کرد. آنان را به وحدت فرا خواند. بسیاری پس از سخنرانی او در کنگره، وی را «امام کاشف الغطاء» می‌خواندند، دانشمندان اهل سنت از وسعت نظر، قدرت بیان و سخنان پر مغز او به شگفت آمده بودند.

کاشف الغطاء به عراق بازگشت و بسیاری از طلاب و فضلاء حوزه علمیه نجف که آوازه سخنان او در کنگره و تأثیر آن را در روزنامه‌ها خواند بودند، به پیشواز او آمدند. حسینیه کرخ بغداد آکنده از جمعیت بود. روزنامه‌نگاران، شاعران، شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی عراق در حسینیه گرد آمده بودند. کاشف الغطاء برای مردم صحبت کرد و آنها را از آنچه در کنگره گذشت، مطلع ساخت.

وی پس از سه روز اقامت در بغداد، به کربلا رفت و پس از زیارت مرقد امام حسین (ع) به نجف بازگشت. هر شب، مردم به دیدار او می‌رفتند و از سخنان او درباره مسافرتش استفاده می‌کردند. بسیاری از شاعران و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی نجف حضور موفق او در کنگره را به وی تبریک می‌گفتند و شاعران بیش از ده هزار بیت شعر درباره سفر او سرودند. مردم کوفه از او دعوت کردند تا به شهرشان بیاید. مسجد بزرگ کوفه، هزاران نفر را در خود جای داده بود. کاشف الغطاء برای مردم صحبت کرد. سخنرانی او به نام «الاتحاد والاقتصاد» چند بار چاپ شد. در سخنان او آمده بود. غرب به وسیله صنعت و مکیدن چشمه‌های ثروت شرق، بر آنان سیطره یافت. اسلام همه راههای سالم به دست آوردن ثروت را بیان و ضرورت رشد اقتصادی را گوشزد کرده است. سعادت کشورهای اسلامی با اتحاد و اقتصاد به دست می‌آید.

● ولایت فقیه

کاشف الغطاء بخوبی نقش زمان و مکان در اجتهاد را یافته بود و بر این باور بود که نباید احکام اسلامی در تنگنای سلیقه مجتهد قرار بگیرد، زیرا فرجام چنین کاری این است که احکام اسلام، به صورت خشک و بی روح درآید.

کاشف الغطاء در مورد اختیارات ولایت فقیه نظرات بسیار بلندی دارد. امام خمینی (ره) می فرماید:

ولایتی که برای پیامبر (ص) است، برای فقیه نیز ثابت است. موضوع ولایت فقیه چیز تازه ای نیست که ما آورده باشیم. بلکه این مساله از اول مورد بحث بوده است ... به طوری که نقل کرده اند، مرحوم کاشف الغطاء نیز بسیاری از مطالب را فرموده اند (این است آیین ما، محمد حسین کاشف الغطاء، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ص ۴۰).

او درباره حدود اختیارات ولی فقیه می نویسد: ولایت فقیه همه مواردی را که به

مصلحت اسلام و مسلمانان است، در بر می گیرد.

● فلسطین در اسارت

صهیونیستها در سال ۱۳۲۷ ش. / ۱۳۶۷ ق. فلسطین را اشغال کردند. در همین ایام برخی از دولتهای عربی به نبرد با متجاوزان برخاستند. کاشف الغطاء پیامی برای رزمندگان مسلمان فرستاد و آنها را به ادامه نبرد تشویق نمود او همواره در سخنرانیها و پیامهای خویش از فلسطین یاد می کرد و مسلمانان را به آزادسازی آن فرامی خواند.

● کنفرانس اسلامی پاکستان

جمعیت اخوت اسلامی کراچی دومین گردهمایی جهان اسلام را در سال ۱۳۷۱ ق. در کراچی برگزار کرد. آیت الله کاشف الغطاء به این همایش بزرگ دعوت شد. اینک بخشی از سخنان وی در این گردهمایی را می آوریم:

«... مامی گویم مسلمانیم ولی تاریخ ما مسیحی و زردشتی است. مسلمانیم ولی روزه یکشنبه را تعطیل می کنیم، مسلمانیم اما به زبان انگلیسی صحبت می کنیم. مسلمانیم اما از زبان عربی چیزی نمی دانیم. عربی، زبان قرآن را نمی دانیم ولی به زبان بیگانگان خوب حرف می زنیم. تبلی و سهل انگاری چنان ما را فرا گرفته است که شنیده ایم دانشمندان مسلمان این گردهمایی که درباره اسلام بحث

می کنند، هنگامی که مؤذن بانگ بر می آورد «حی علی الصلوٰة» بر نمی خیزند تا نماز بخوانند ... ای مردم مسلمان! نیروهای خود را در یک جا گرد آورید و صفها را منظم کنید و اسلحه ها را بر دوش بگیرید که سیاست جهان، کشورهای عربی و اسلامی را مورد حمله قرار داده است. سخنرانی کاشف الغطاء به زبانهای مختلف ترجمه و چاپ شد. کاشف الغطاء چهل روز در پاکستان ماند و به شهرهای لاهور، راولپندی، کشمیر آزاد (مظفر آزاد) و پیشاور سفر نمود. با مردم و علما صحبت کرد و آنها را به وحدت، عمل به قرآن و مبارزه با استعمار فرا خواند.

● مبارزه با آمریکا

آمریکا در پوشش برگزاری سمیناری فرهنگی در صدد فریب دانشمندان مسلمان برآمد. جمعیت آمریکایی دوستداران خاورمیانه از ۲۵ شخصیت برجسته مسلمان، از سراسر دنیا دعوت نمود تا در سمیناری که درباره ارزشهای اخلاقی اسلام و مسیحیت، در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۴۵م، در هتل «امسador»، واقع در «بحمدون» لبنان برگزار می گردد، شرکت کنند.

بسیاری از اندیشمندان مسلمان و مسیحی دعوت کنگره را پذیرفتند. اما کاشف الغطاء با تیزبینی توانست متوجه حيله آنها شود. آمریکا، این ابر قدرت نو که استعمار پیر انگلیس را کنار زده بود، در جنگ سرد روانی علیه شوروی، از هر وسیله ای بهره می جست و اینک در پوشش نوعی فعالیت فرهنگی می خواست اندیشمندان مسلمان و مسیحی را با خود همراه کند.

کاشف الغطاء در ۷۸ سالگی، بسان یک سیاستمدار جوان از تحولات سیاسی جهان با خبر بود. وی در اندیشه بر ملا ساختن اهداف کنگره بود. اما چگونه؟ او در پاسخ دعوتنامه طولانی جمعیت دوستداران خاور میانه، بسیار کوتاه نوشت: نمی توانم شرکت کنم. کاشف الغطاء تا آغاز، کنگره یک ماه فرصت داشت. او در یک مدت توانست نامه ای بسیار مفصل درباره اهداف کنگره بنویسد و همزمان با آغاز کنگره در لبنان پخش کند و بدین سان آمریکا را رسوا نماید. آگاهی او از اوضاع سیاسی و ترفندهای بسیار پیچیده استعمارگران به خوبی در این نامه هویدا است. مرجع تقلید شیعیان که بیشتر وقت خود را به تدریس، تألیف، دیدار با مردم و پاسخ به سئوال های شرعی آنان می گذرانند، از آخرین تحولات سیاسی جهان به خوبی آگاه است. اینک چکیده ای از پاسخ او به کنگره را می آوریم:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ جناب آقای گارلندا یوانز هایکینر، معاون جمعیت دوستداران خاور میانه ... تمام موضوعهای مورد بحث در دو مطلب خلاصه می شود:

۱- ارزشهای معنوی و نمونه های عالی اخلاقی در اسلام و مسیحیت.

۲- خطر کمونیست برای بشریت و راه مبارزه با آن در اسلام و مسیحیت.

پیش از هر چیز باید بدانید که زبان عمل از زبان حرف برنده تر است. هزاران کنگره از طرف آنان که پای بند به ارزشهای معنوی نیستند، بی اثر است ... ای دولت ایالات متحده و ای دولت انگلیس! آیا شما دارای چنین صفت‌هایی هستید؟! ... آیا جنایت‌هایی که شما در فلسطین کردید شما را رو سیاه نکرد؟ ... مگر به آنها پول و اسلحه نمی دهید؟! ... شما و نهصد هزار عرب (فلسطینی) را بی خانمان، آواره بیابانها، زمین را بستر و آسمان را لحاف آنها نکردید؟! آنها در وطن خود عزیز بودند و شما کاری کردید که دل سنگ به حال آنها می سوزد ... آیا نرون (امپراتور روم و جنایتکار بزرگ تاریخ) به اندازه شما جنایت کرد؟

شگفتا که شما از مسلمانان و اعراب انتظار همکاری دارید و از آنها می خواهید که با شما همفکری و همکاری کنند. شما عرب را لگدمال می کنید. با یک دست بر سرش می کوبید و با دست دیگر او را نوازش می کنید. اکنون شما از در دیگری وارد شده اید. امروز از ما می خواهید که با شما در کنگره ها بر سر یک میز بنشینیم و درباره ارزش های معنوی به مذاکره پردازیم. آیا خون‌هایی که در ایران، سوریه، مصر و لبنان ریخته می شود، ناشی از توطئه های شما نیست؟! آیا شما در شرق و غرب جهان به مرم بی گناه ستم روا نمی دارید؟! تونس، مراکش و الجزایر در غرب جهان، در آتش بیداد شما می سوزند و کره، هندوچین (ویتنام) و کنیا در شرق جهان، در آتش شما خاکستر شدند. تمام این دشمنیهای شما برای ماده پرستی شماست. همان چیزی که در نامه خود از آن نکوهش کرده و آن را زنگ خطر برای مردم دنیا بیان کردید. آیا شما چیزی جز ماده را می پرستید؟! آیا شما دینی غیر از دنیا پرستی دارید؟! شما بمب اتمی را برای چه ساخته اید؟! آیا تلاش در راه استثمار ملتها و به بند کشیدن آنها به خاطر دنیا پرستی و پول پرستی شما نیست؟ تمام برنامه های شما - حتی آنهايي که به نام دین انجام می دهید - به خاطر دنیا پرستی است ...

... شما فلسطین را ذبح کردید، اما با دست دولتهای عرب، بلکه به دست دولتهای اسلامی

تا ذبح شرعی باشد! به دست مسلمان و رو به قبله، تا برای شما و صهیونیستها خوردن آن حلال باشد! چرا که شما اهل دین (؟) و در پس ارزشهای معنوی هستید! و جز غذای پاک و حلال نمی خورید!

شما به این اندازه جنایت بسنده نکردید. بلکه تلاش می کنید که عرب را وارد پیمان دفاع مشترک کنید و این مرغ ضعیف و بی بال و پر را در دامی دیگر بیندازید ... کمکهای مالی شما سرابی است که تشنه را می فریبد، اما سیرابش نمی کند. آمریکا اگر یک دلار کمک می کند، ده برابر آن را پس می گیرد بعضی می گویند: انگلیس، فرانسه و دولت های اروپایی در پیمان آتلانتیک وارد شدند و استقلال خود را از دست ندادند. بنابراین چه مانعی دارد که ما نیز در پیمان های دفاعی وارد بشویم. در پاسخ می گوئیم: همین دولتها هم استقلال سیاسی، دفاعی و اقتصادی خود را از دست داده و تابع آمریکا شده اند. به همین خاطر است که بسیاری از حزبهای آن کشورها، با آن مخالفند، مانند حزب کارگر انگلیس که حزب بزرگی است.

مصالح ما هیچگونه ارتباطی با مصالح آمریکا ندارد. آنها فقر، نادانی و عقب

ماندگی ما را می خواهند و ما خواهان دانش، سعادت و پیشرفتیم.

... من دولت های عرب را نصیحت می کنم که تسلیم دولتهای استعماری نشوند، زیرا مشکلی را برایشان حل نخواهد کرد. به جوانان می گویم که راه رهایی ما بازگشت به قرآن و اسلام است. فرهنگ پر بار اسلامی می تواند پشتوانه مبارزه شما با استعمار باشد، نه مرام کمونیستی که فرهنگی وارداتی است.

... اگر آمریکا بویی از انسانیت و معنویت برده بود، سیاه پوست های آمریکایی الاصل را که در حال نابودی اند، حمایت می کرد. اگر ذره ای عدالت در دولت آمریکا بود، با پانزده میلیون سیاه پوست این همه بد رفتاری نمی کرد. دویست سال است که شما آمریکاییها سیاهان را به بردگی گرفته اید. ... آمریکا به اسرائیل کمکهای نقدی می دهد و اسلحه فراوان در اختیار او می گذارد. اما در مورد کشورهای عربی به جز وعده های تو خالی، هیچ چیز به آنها نمی دهد.

اگر اسلحه ای به کشورهای عربی بدهد، به این شرط است که با اسرائیل نجنگد. شگفتا! اگر ما با اسرائیل نجنگیم، با که بجنگیم؟! ما جز اسرائیل دشمنی نداریم.

... ما این ذلتها را چگونه فراموش کنیم و با شما کنار یک میز بنشینیم و درباره ارزشهای معنوی

و نمونه های عالی اخلاقی به گفتگو پردازیم؟

... سوگند به همه مقدسات که اگر دولتهای عربی با هم متحد شوند، بر آمریکا، انگلیس و اسرائیل پیروز می شوند، شما شیطانها بهتر است دست از جنایتهای خود بردارید و فلسطین را به صاحبان اصلیش بسپارید. آن گاه درباره ارزشهای معنوی کنفرانس تشکیل دهید. اگر در عرف سیاست رواست که با یک دست تسیح و با دست دیگر کارد بگیرد و سینه مظلومان را بشکافید، این کار از نظر عقل روا نیست.

...مسلمانها نسبت به یکدیگر مغرورند، ولی در برابر دشمن مانند گوسفند ذلیل اند. سال گذشته به سفیر انگلیس گفتم: عراق از زمانی که به اشغال در آمد، روز به روز وضعش بدتر شده است. وی پاسخ داد: این چه حرفی است؟ اکنون کارها رو به راه شده و آبادانی و اقتصاد پیشرفت کرده است. برای نمونه، قصر شاه همه ساله در محاصره سیل قرار می گرفت، ولی اکنون آسیبی از این جهت به آن نمی رسد. به او گفتم: حفظ کاخ شاه، حفظ پایگاه شماس، کاخ شاه مهم نیست. کوخ کشاورز مهم است

... همین امسال شاهد طغیان بی سابقه رود کرخ بودیم. بغداد و بسیاری از روستاهای آن آسیب دید. میزان خسارت تا بیست میلیون دینار بر آورد شد. بیش از پنج هزار نفر غرق شدند. همان انسان هایی که ستون فقران مملکت و گردانندگان اصلی چرخ های کشورند. مهار کردن رود کرخ و جلوگیری از سیل به مصلحت استعمارگران نیست و گرنه آنهایی که برج ایفل را ساختند، می توانستند سیل بنده هایی در بغداد بسازند.

... اگر پیامبران اولوالعزم پنج نفرند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد(ص)، طاغوت های اولوالعزم نیز پنج نفرند: روزولت، تروس آیزنهاور، چرچیل، وایدن. اینها جرثومه فسادند ... ارزشهای عالی اخلاقی در اسلام است، نه در بحمدون. شاید در این روزها افرادی که دعوت کنگره بحمدون را پذیرفتند، در آنجا گرد آمده باشند. می خواهم از آنها بپرسم آیا می دانید که چند سال پیش، صهیونیسم به «دیر یاسین» حمله کرد، مردان، زنان و کودکان را کشت ...؟ آیا می دانید که همه اسلحه های صهیونیستها آمریکایی بود؟

... شما از بازماندگان کشته ها می خواهید با قاتل صلح کنند و دستش را بیوسند. وای بر شما! ای فرزندان سکسون، به خدا سوگند! اگر همه ستمهای تاریخ را در یک کفه ترازو نهند و بیداد

شما بر عرب و اسلام را در کفه دیگر، ظلم شما می چربد. شما خیال می کنید که پیرو حضرت عیسی (ع) هستید؟!

... کاش فرزندان عموسام و برادرزاده اش، سکسون شرشان را از سر ما کم می کردند که ما را به خیرشان امید می نیست ... آمریکا با ژاپن چه کرد؟ شهر هیروشیما را با بمب اتمی ویران کرد. گناه مردم هیروشیما چه بود؟ مگر آمریکا مسیحی نیست؟! مگر تورات و انجیل از آدم کشی نهی نکرده است؟! ...»

پاسخ کاشف الغطاء به کنگره با نام «المثل العليا فی الاسلام، لافی بحمدون» (نمونه های عالی اخلاقی در اسلام است، نه در بحمدون) در کنفرانس پخش شد. روزنامه های لبنان نامه کاشف الغطاء را چاپ کردند. مردم با اهداف پشت رده کنگره آشنا شدند. یکی از اندیشمندان مسلمان درباره این نامه گفت: «کاشف الغطاء کشف الغطاء کاشف الغطاء پرده را کنار زد». نامه کاشف الغطاء مورد استقبال کم نظیر خوانندگان قرار گرفت و بدین خاطر سه بار در آن سال چاپ شد. نزدیک به صد هزار نسخه از کتاب «المثل العليا فی الاسلام، لافی بحمدون» در کشورهای مسلمان چاپ و به زبانهای انگلیسی و فارسی ترجمه شد.

● مرد سیاست

آیت الله کاشف الغطاء همواره در مسایل سیاسی وارد می شد. برخی از کج اندیشان که دین را از سیاست جدا می دانستند. از او می پرسیدند چرا در سیاست دخالت می کند. او در پاسخ می گفت: اگر سیاست به معنای پند، راهنمایی، نهی از فساد، نصیحت و مبارزه با استعمار است، من اهل سیاستم. آری، من تا فرق سر غرق در سیاستم. چنین سیاستی از واجبات است. پدر، پدربزرگ، جد و تمام خاندان من، بیش از سیصد سال رهبری دینی جهان اسلام را بر عهده داشتند. در زیارت جامعه، درباره ائمه معصوم آمده است: انتم ساسه العباد: شما سیاستمداران مردم هستید. سیاست ما سیاست پیامبر و امامان است.

زمانی هم کاشف الغطاء نامه ای به محمد علی جناح، اولین نخست وزیر پاکستان می نویسد و هدفهای استعماری پیمانهای نظامی آمریکا را به او گوشزد می کند (این است آیین ما، محمد

حسین کاشف الغطاء، ترجمه آیت الله ناصر مکارمشیرازی، ص ۹۰-۸۹).
 سرجان تروتیک، سفیر انگلیس در عراق، در تاریخ ۲۷ محرم ۱۳۷۳ق. به دیدار کاشف الغطاء می رود. گفتگو بین آنها درباره کمونیسم، اسرائیل و مسایل دیگر صورت می گیرد. کاشف الغطاء جنایتهای انگلیس در جهان را به او گوشزد می کند. سفیر که درمانده بود، می گوید: آیا در این کتابخانه بسیار بزرگ شما که هزاران جلد کتاب در آن هست، کتابی علیه ما هست. سفیر فکر می کرد که کاشف الغطاء پاسخی نخواهد داشت. زیرا کتابهای او درباره فقه، اصول، تفسیر، حدیث و دیگر علوم اسلامی است که در آنها اسمی از انگلیس هم نیامده است. کاشف الغطاء فریاد برآورد: کتاب که چیزی نیست. قلبهای همه ما علیه شماست. از دل یکایک ما به خاطر نیزه ای که شما به جهان عرب زدید، خون می چکد.
 گفتگوی کاشف الغطاء با سفیران انگلیس و آمریکا با نام «محویره الامام مع السفیرین»، سه بار در نجف و یک بار در آرژانتین چاپ شد (آوای بیداری، ص ۶۱).

● آثار و تألیفات

از اشتغالات مهم کاشف الغطاء، نوشتن مقاله و کتاب بود. گفته اند از این بزرگمرد،

بیش از هشتاد اثر به یادگار مانده است.

عناوین کتابهای کاشف الغطاء طبق موضوع بندی به ترتیب ذیل است:

الف) حکمت و کلام

- ۱- الدین والاسلام او الدعوة الاسلامیة، در ۲ جلد. ۲- المراجعات الریحانیة، در ۲ جلد. ۳- الآیات البینات. ۱. نقض علی الفتوی الوهاییة. ۲. رد الطبیعة. ۳. خرافات البایة. ۴. المواکب الحسینیة، ۴- التوضیح فیما هو الانجیل ومن هو المسیح، در دو جلد که ترجمه فارسی هم دارد. ۵- الفردوس الأعلى. ۶- اصل الشیعة و اصولها، ترجمه فارسی دارد. ۷- الأرض و التربة الحسینیة، ترجمه فارسی دارد. ۸- نبذة من السیاسة الحسینیة. ۹- الميثاق العربی الوطنی. ۱۰- المثل العلیا فی الاسلام لا فی بحمدون، ترجمه فارسی دارد. ۱۱- المحاوره مع السفیرین. ۱۲- عین المیزان. ۱۳- نقد ملوک العرب للریحانی. ۱۴- مختارات من شعر الاغانی. ۱۵- الخطبة التاریخیة فی القدس. ۱۶- خطبة الاتحاد و الاقتصاد. ۱۷- الخطب الأربع. ۱۸- خطبة الباكستان، ترجمه فارسی دارد. ۱۹- مبادئ الايمان.

ب) فقه

- ۱- المسائل القندرهاریه (اصل آن فارسی است). ۲- سؤال و جواب عربی. ۳- وجیزه الاحکام.
- ۴- زاد المقلدین، فارسی. ۵- مناسک حج عربی. ۶- حاشیه علی العروه الوثقی از سید شریف طباطبائی یزدی (ره). ۷- حواشی علی سفینه النجاه - شیخ احمد - در ۴ جلد. ۸- حواشی علی عین الحیاء ترجمه سفینه النجاه بالفارسیه، در دو جلد. ۹- حاشیه علی مجمع الرسائل (فارسی).

ج) اصول فقه

- ۱- حاشیه بر رسائل شیخ أنصاری (ره). ۲- تنقیح المقال فی مباحث الالفاظ. ۳- حاشیه بر کفایه شیخ آخوند خراسانی (ره). ۴- رساله فی الجمع بین الاحکام الظاهریه والواقعیه. ۵- حاشیه بر قوانین.

د) ادب و شعر

- ۱- تعلیقات و تراجم بر دیوان السید جعفر الحلی (ره) معروف بسحر بابل و سجع البلابل.
- ۲- تعلیقات بر دیوان السید سعید الجوبی (ره). ۳- تعلیقات بر الوساطه بین المتنبی و خصومه. ۴- تعلیقات بر معالم الاصابه. ۵- جمع آوری و تعلیقات بر (الكلم الجامعه و الحكم النافعه)، كه به همراه چاپ اول عروه الوثقی سید یزدی در بغداد سال ۱۳۲۸ق. چاپ شده است.

و) تألیفات مخطوط او در حکمت و کلام

- ۱- جلد سوم از الدین والاسلام. ۲- جلد چهارم از الدین والاسلام. ۳- حاشیه بر کتاب الاسفار از صدر المتألهین (ره). ۴- حاشیه بر رساله العرسیه از صدر المتألهین (ره). ۵- حاشیه بر رساله الوجود از صدر المتألهین (ره). ۵- دائرة المعارف العلیا.

ه) تفسیر، هیئت و علوم دیگر

- ۱- مغنی الغوانی عن الأغانی مختصر الأغانی. ۲- دیوان شعر: (الشعر الحسن من شعر الحسين).
- ۳- نزهة السمر و نزهة السفر. ۴- ترجمه حیاته مفصلاً بقلمه بعنوان: (عقود حیاتي). ۵- تعالیق بر امالی سید مرتضی علم الهدی (ره). ۵- تعالیق بر ادب الکاتب لأبن قتیبه. ۶- تعالیق بر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز. ۷- تعالیق بر نهج البلاغه و نقود علی شرح الشیخ محمد عبده و مؤاخذات علیه. ۸- تعالیق بر الفتنة الكبرى لطفه حسین. ۹- منتخبات من الشعر القديم. ۱۰- منتخبات از

الاحادیث و الاخبار و التراجم و غیرها. ۱۱- تعریب کتاب فارسی هیئه. ۱۲- تعریب کتاب حجة السعادة فی حجة الشهادة. ۱۳- تعریب قسم من رحلة (ناصر خسرو) الحکیم المشهور. ۱۴- کتاب وظائف الاسحار. ۱۵- کتاب استشهاد الحسین (ع). ۱۶- رساله عن الاجتهاد عند الشیعة. ۱۷- العبقات العنبریه فی الطبقات الجعفریه. ۱۸- جنه المأوی.

غیر از این عناوین، مقالات متعددی از این شخصیت موجود است. و نامه ها و مراسلات زیادی هم باقی مانده است (ر.ک: شخصیت و اندیشه های کاشف الغطاء، ۱۳۷۰ش، ص ۱۸-۱۰).

وفات

علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء سرانجام پس از عمری تلاش خستگی ناپذیر، در ذی قعدة ۱۳۷۳ق. در هفتاد و نه سالگی در کردند (در نزدیکی کرمانشاه) درگذشت. تشییع جنازه با شکوه او در نجف تا قبرستان وادی السلام گویای علاقه وافر مردم به او بود. مراسم یادبود رحلت او در عراق، ایران، پاکستان، لبنان و بسیاری از کشورهای مسلمان برگزار شد.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- آوای بیداری (ویژه نامه روزنامه جمهوری اسلامی)، فروردین ۱۳۷۲.
- ۲- بهشتی، احمد، مقدمه کتاب شخصیت و اندیشه ها کاشف الغطاء، قم، کانون اندیشه های اسلام، ۱۳۷۰ش.
- ۳- جمعی از نویسندگان، پشویان تقریب (آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت) (مجموعه مقالات).
- ۴- خلیلی، جعفر، موسوعة العتبات المقدسه، ج ۶، بغداد، دارالتعارف، ۱۹۷۵م.
- ۵- کاشف الغطاء، محمد حسین، این است آیین ما، ترجمه و شرح آیت الله ناصر مکارم شیرازی، قم، هدف.